

نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ۴۰ هـ. ق

دکتر اصغر منتظرالقائم*

چکیده

در منابع فتوح و تاریخ‌های عمومی نام چند نفر به عنوان نخستین فاتحان آذربایجان و اردبیل ذکر شده است. طبق صحیح‌ترین روایات خذیفه بن یمان صحابه رسول الله (ص) که یکی از شیعیان نخستین امام علی (ع) بود و با شناخت عمیقی که از اسلام داشت تا هنگام رحلت مدافع راستین امام علی (ع) بود؛ نخستین کسی است که اسلام را با پیمان صلح به آذربایجان و اردبیل آورد و بذری دوستی اهل بیت (ع) را در این شهر پاشید. این مقاله پس از نقد و بررسی روایات مربوط به فاتحان اردبیل و برگزیدن روایات معتبر، به نقش خذیفه بن یمان در فتوح اسلامی می‌پردازد و نقش وی را در حرکت فکری و فرهنگی نخستین روزهای ورود اسلام به اردبیل و نقش دیگر حکمرانان این منطقه تا سال چهارم هـ. ق تبیین می‌کند.

روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی همراه با نقد و بررسی روایات فتوح این منطقه خواهد بود و فرضیه مقاله آن است که خذیفه بن یمان و دیگر حکمرانان اسلامی، نخستین پیام آور اسلام و دوستی اهل بیت (ع) در آذربایجان و اردبیل بودند و روایات دیگر مربوط به فاتحان این منطقه اخباری غیرمعتبر و غیر موثق است.

واژه‌های کلیدی

اردبیل، تشیع، خذیفه بن یمان، آذربایجان

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان montazer@ltr.ui.ac.ir

درآمد

آذربایجان، ایالت بزرگ ایران، که در فارسی میانه آتورپاتکان، در آثار کهن فارسی آذربایگان و در یونانی آتروپاتینه (Atropatene) نامیده می‌شد (ارباب خوئی، ۱۳۵۴: ۴۸/۱)؛ از چنان اهمیتی برخوردار بود که در متن های فارسی میانه آدورپادگان (Adurbadegan) با ایران (Eran) یکی دانسته شده است (شهرستان های ایران شهر، ۱۳۸۸: ۹۱). نام آذربایجان از نام آتروپات سردار ماد گرفته شده است که پس از مرگ اسکندر و تقسیم امپراتوری او، آتروپات قسمت شمال غربی سرزمین ماد را در تصرف خود نگاه داشت و آن را به شکل امارت مستقل درآورد. از آن زمان به بعد این ناحیه را به نام او خواندند. در روزگار ساسانیان مرزبان این ایالت شهب نام داشت و این مقام در اواخر عصر ساسانی به خاندان فرخ مرمزد تعلق داشت (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۱۳).

این ایالت دارای دژهای محکمی بود تا همچون سدی استوار بتواند در برابر هجوم بیگانگانی چون اقوام خزرها ایستادگی کند. سرانجام خزرها در ۶۲۹ م موفق شدند گرجستان و ارمنستان را غارت کنند (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۵۲۸). در اواخر دوران ساسانی و در دوران اسلامی قصبه و کرسی آذربایجان، اردبیل بود که بر دامنه کوه سبلان قرار دارد و « اطراف آن را زمین های حاصلخیز کشاورزی فراگرفته است و عسل آن تا امروز بسیار مشهور است. ایرانیان آن را باذان فیروز می‌نامیدند» (یاقوت، بی‌تا: ۱/ ۱۴۵). شهرهای مشهور آذربایجان در اوایل سده ۴ هـ. ق/ ۱۰ م عبارت بودند از: سراب، مراغه، تبریز، اوجان، شیز و تخت سلیمان، دخارقان، مراغه روئین دژ، پسوا (پسوه)، اشنویه، ارومیه، طروج، بردع، سلماس، مرند، نخجوان، جلفا، اهر، خدا آفرین، میانه و خلخال (اصطخری، ۱۳۶۴:

۱۵۵؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۱۸۵-۱۷۰) شایان توجه است « سه ناحیه آذربایجان، ایران و ارمنیه به یکدیگر پیوسته و سوادهایشان به یکدیگر اندر شده است » (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۷). مقدسی عنوان مشترک « رحاب » را به این سه سرزمین می‌دهد و می‌نویسد: « من نامی نیافتم که همه خوره‌هایش را در بر گیرد، پس آن را رحاب نامیدم از سرزمین های زیبای اسلام است و دژ مسلمانان در برابر روم به شمار می‌رود من این سرزمین را به سه بخش کردم نخستین آن ها از بالای دریاچه اران است سپس ارمنیه و در پایان آذربایجان (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۷۳).

در زمان ساسانیان شهر شیز یا گنژک در آذربایجان اهمیت بسیار داشت. بنابر مشاهدات و نظر مسعودی شهر شیز پایتخت تابستانی اشکانیان بوده است و آتشکده معروف آذرخش (آذرگشنسب) در آن قرار داشت و پادشاهان ایران پس از جلوس بر تخت، برای تعظیم آتشکده پیاده به شیز می‌رفتند و بدانجا نذرها می‌کردند. در آن آثاری شگفت از بنا و تصویر با رنگ‌های جالب از صورت افلاک و نجوم و جهان از خشکی و دریا و آبادی و معدن و ویرانه و گیاه و حیوان و عجایب دیگر برجاست (مسعودی، ۱۳۶۵: ۸۹).

بنابر روایات منابع فتوح، پایتخت آذربایجان هنگام فتوح این منطقه شهر اردبیل بود و مرزبان آذربایجان در آن شهر ساکن بود (بلاذری، ۱۳۹۸: ۳۲۲). به نظر می‌رسد شهر اردبیل پایتخت اداری و شیز پایتخت فرهنگی و معنوی ایران بود. آن‌گونه که چندین نفر از پادشاهان ساسانی همچون وهرام پنجم و خسرو اول و دوم هدایای بسیاری به این آتشکده هدیه دادند (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۹۰). ولی عظمت شیز دیری نپایید و سرانجام هراکلیوس در سال ۶۲۳ م این شهر را تصرف کرد و آتشکده بزرگ آذرگشنسب را ویران و

پایتخت اسلام آوردند (واقعی، ۱۴۰۹ق: ۲/ ۲۰۴). در سال ۲۱ هـ. ق/ ۶۴۲ م مسلمانان به فرماندهی نعمان بن مقرن در محل نهاوند با لشکر ساسانی روبرو شدند. در گرماگرم پیکار هر دو فرمانده ایرانی و عرب کشته شدند. فرماندهی مسلمانان را حذیفه بن یمان برعهده گرفت تا مسلمانان به پیروزی دست یافتند. حذیفه با یکی از بزرگان نهاوند صلح کرد و مسلمانان وارد شهر شدند. این پیروزی را مسلمانان فتح الفتوح نامیدند (طبری، بی تا: ۳ / ۲۰۴ و ۲۱۹).

ضعف و انحطاط سیاسی، اختلاف درونی و سستی و خمودی داخلی دولت ساسانی موجب شد هر اسپاهبد یا مرزبانی، ایالت خود را به منزله اقطاع و ملک موروثی خود می پندارد و خود را از ملوک الطوائف کهن بر شمارد. به ویژه پس از آن که خاندان ساسانی به انحطاط کامل افتاد، این تصور قوت گرفت. (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۳۵۸) منطقه آذربایجان و قفقاز نیز از این امر مستثنی نبود و یک مرزبان به صورت مستقل آذربایجان را درهنگام فتوحات مسلمانان، اداره می کرد.

فتح آذربایجان

خلیفه دوم هنگام مشورت با هرمان، فرمانده اسیر سپاه ساسانی در خوزستان، به اهمیت آذربایجان به عنوان یکی از بال های ایران پی برد (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴ق: ۱۰۵، ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۴۲). وی پس از فتح الفتوح طی نامه ای، حذیفه بن یمان صحابه رسول الله (ص) را مامور فتح آذربایجان کرد (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۱). به نظر می رسد اهمیت این منطقه و اخبار حملات قوم خزران به آذربایجان درباره این تصمیم بی تأثیر نبوده است. کمبود اطلاعات منابع و اخبار پراکنده و عدم نظم تاریخی آنها، محقق را در توصیف کامل رویدادها با مشکلات و موانع بسیاری

گنجینه های آن را غارت کرد (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۴۶۸ و ۱۸۹). هم اکنون خرابه های آن به نام تخت سلیمان در میان تکاب و شاهین دژ وجود دارد.

اردبیل مرکز آذربایجان تا سال ۶۱۷ هـ. ق که جغرافیدانی به نام یاقوت از آن بازدید کرده است شهر پهناور، بسیار بزرگ، پرجمعیت، آباد و دارای چندین رودخانه بوده است (یاقوت، بی تا: ۱/ ۱۴۵). در ایلغارهای مغول به باد غارت رفت و ویران گردید و مراغه کرسی آذربایجان گردید (لسترنج، ۱۳۷۳: ۱۷۱) اردبیل دوباره در قرن هشتم آبادانی خود را بازیافت (مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۱). در این دوران بر اثر رونق خانقاه شیخ صفی الدین و خاندانش، رونق گذشته را بازیافت و در آغاز سلسله نوبنیاد صفویه پیش از تبریز و قزوین و اصفهان مدتی پایتخت گردید.

اهمیت آذربایجان از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از پیش از اسلام تا قرن هفتم هـ. ق، موجب توجه بیشتر مسلمانان به این منطقه شد.

فتوحات مسلمانان در ایران

مسلمانان از روزگار خلیفه اول (۱۱ تا ۱۳ هـ. ق) فتوحات اسلامی را آغاز کردند. عواملی نظیر دعوت به جهاد، گسترش اسلام نجات مردم تحت ستم امپراتوری ساسانی از مژده فتح سرزمین های بیرون از شبه جزیره عربی به وسیله رسول الله (ص)، کاهش معضلات اجتماعی اعراب و کسب منابع اقتصادی، زمینه ساز فتح سرزمین ایران بود. مسلمانان در دوره خلیفه دوم در سال پانزده هـ. ق در قادسیه بر سپاه ساسانی فائق آمدند در سال ۱۶ هـ. ق / ۶۳۷ م مدائن پایتخت دولت ساسانی با پیمان صلح به دست مسلمانان افتاد و بزرگان و مرزبانان ایرانی شهر، به نزد سلمان آمدند و مسلمان شدند و به پیروی از آنان هزاران نفر از مردم

برای عمر بفرستاد» (طبری، بی تا: ۳ / ۲۳۵). این روایت دارای مشکلات بسیار در سند و متن است.

الف) نقد سند خبر فتح آذربایجان

این خبر را طبری از سری بن یحیی از شعیب از قول سیف نقل کرده است ولی سیف اشاره‌ای به راویان خود نکرده است.

۱- در اصطلاح این روایت از مصادیق دروغ عمدی و در سند دارای تضعیف است و اسناد آن ناقص و جزو روایات غریب است. به نظر می‌رسد سیف بن عمر این روایت را با هنرمندی تمام ساخته است ولی همان گونه که از متن روشن می‌گردد مشحون از ناهماهنگی و آشفتگی در ترتیب وقوع حوادث، سال و مکان وقوع است که ادله آن در نقد متن خبر خواهد آمد.

۲- شخصیت سیف از سوی دانشمندان علم رجال همچون یحیی بن معین، ابوحاتم سجستانی، ابوداود، نسایی و حاکم نیشابوری مورد تردید قرار گرفته است و او را از سازندگان اخبار و روایاتش را فاقد ارزش و ضعیف دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۱۶۲). سیف اخبار خرافی بسیاری نقل کرده است که برخی از آن‌ها عبارت است از: همچون سخن گفتن گاو (طبری، بی تا: ۳ / ۱۴)، روی آب راه رفتن مسلمانان همچون راه رفتن بر روی شن و ماسه و سپس جزیره دارین را فتح کردن (طبری، ۵۲۶/۲)، نسبت دادن وجود شیطانی به اسود عنسی، پیامبر دروغگو (طبری، بی تا: ۲ / ۴۶۸)، طلب باران کردن ترکان بلنجر از جنازه به خاک سپرده نشده عبدالرحمن بن ربیع (طبری، بی تا: ۳ / ۳۵۱) و اغراق گویی در شمار سپاهیان و ذکر آمارهای کذب از کشتگان قوای ساسانی در جنگ با خالد بن ولید. از جمله درباره پیکار الیس در حوالی منطقه انبار عراق می‌نویسد: «هفتاد هزار نفر از مردم این منطقه به دست سپاهیان خالد کشته شدند» (طبری، بی تا: ۲ / ۵۶۲). در

روبرو می‌سازد. منابع فتوح آذربایجان و قفقاز، اطلاعات کمی از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه هنگام فتوح به دست می‌دهند. علاوه بر این اخبار عملیات نظامی مسلمانان در آذربایجان و قفقاز، متناقض و آشفته و گاهی ملهم از افسانه‌سرایی و اغراق‌گویی و گاهی با اکاذیب همراه است به گونه‌ای که خواننده را گمراه و سردرگم می‌کند.

نقد و بررسی اخبار طبری درباره فتح آذربایجان

درمیان روایات گوناگون فتح آذربایجان، بیشتر مورخان، خبری را که طبری از قول سیف بن عمر تمیمی درباره فتح آذربایجان نقل می‌کند مورد تأکید قرار می‌دهند. این روایت چنین است: «هنگامی که نعیم بن مقرن برای بار دوم همدان را گشود به سوی ری رفت خلیفه دوم به او نوشت که سَمَک بن خرشه انصاری را به کمک بکیر بن عبدالله به آذربایجان بفرستد. وی نیز دستور خلیفه را تا فتح ری به تأخیر انداخت و سپس بکیر را به آن سرزمین اعزام کرد. وی هنگامی که به جرمیدان رسید با اسفندیار پسر فرخزاد تلاقی کرد و او را به اسارت گرفت و این نخستین پیکاری بود که بکیر در آذربایجان داشت در این هنگام خود سَمَک از ری به کمک بکیر آمد و نواحی مجاور را بگشود و عتبه بن فرقد نیز نواحی اطراف را فتح کرد. پس از آن به دستور خلیفه، عتبه بن فرقد را به جای خود گمارد و به سوی باب پیش روی کرد. سپس خلیفه دوم همه آذربایجان را به عتبه واگذار کرد. بهرام پسر دیگر فرخزاد راه عتبه را گرفت و با سپاه خویش به پیکار وی شتافت ولی شکست خورد و متواری گردید و ناگزیر شد تا با عتبه صلح کند و از این پس آذربایجان آرام گردید و عتبه پیمان صلحی با مردم این منطقه بیست و خمس غنایم را

متأخران است و کایتانی در فصلی روشن می‌کند که توطئه‌ای با این اندیشه و سازمان، در دنیای عرب سال ۳۵ هـ. ق که دارای نظام قبیله‌ای پدرسالاری است باورکردنی نیست» (لوئیس، ۱۳۷۰: ۶۵). محققان اهل سنت (طه حسین، ۱۳۶۳: ۱۴۰) و دانشمندان شیعه (عسکری، ۱۳۶۲: ۶۰) نیز نشان می‌دهند دعوتی را که سیف به عبدالله بن سبا نسبت داده، به قصد دشمنی با اهل بیت و شیعیان بوده است و از قصه پردازای های دروغین وی است. در حالی که رسول الله (ص) در حادثه یوم الانذار دین و سیاست را همراه کرد و درباره علی علیه السلام فرمود: «ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا» (طبری، بی‌تا: ۲/ ۶۳) این برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست، از او فرمان برید و به گفته وی گوش فرا دهید.

ب) نقد متن خبر سیف درباره فتح آذربایجان

روایت سیف که تنها برای نخستین بار در تاریخ طبری آمده، دارای اشکالات متنی زیر است:

۱- در منابع دیگر فتوح، متن خبر سیف وجود ندارد و همین موجب تردید بیشتر در آن است.

۲- نام بردن ناگهانی از بکیر بن عبدالله، فرمانده آذربایجان، بدون اینکه از سوی خلیفه یا حاکم کوفه تعیین شده باشد.

۳- در نقل سیف آمده است که: «خلیفه به نعیم بن مقرن دستور داد که یکی از فرماندهان خود را به نام سَمَک بن خَرَّشه انصاری در هنگام محاصره ری به کمک بکیر بن عبدالله بفرستد». این خبر غیر محتمل است زیرا بعید است خلیفه در هنگام درگیری مسلمانان با اهالی ری، چنین فرمانی صادر کند که نعیم ناگزیر گردد تا هنگام فتح ری فرمان خلیفه را به تأخیر اندازد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۲۳۴).

۴- در میان صحابه رسول خدا (ص) یک نفر سَمَک

حالی که روشن است که این آمار دروغین است و یک پادگان مرزی گنجایش چنین نیرویی را نداشته است و گرنه در مقابل اعراب مقاومت می‌کردند و اعراب را متواری می‌کردند و دولت ساسانی را از فرجام حادثات نجات می‌دادند. منابع دیگر هم از پیمان صلح مردم الیس با خالد سخن گفته‌اند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۲۴۴). در این صورت پیکارهای خونین و کشتارهای هزاران نفوس و سیلاب های خون در اخبار سیف که طبری آنها را نقل کرده است، همه غیرمعتبر و بی پایه است و صبغه روایات ایام العرب دارد.

۳- سیف بن عمر در تنظیم وقایع، حوادث را چنان پردازش کرده که گویا خواننده در فضای داستان ایام العرب پیش از اسلام قرار دارد و با همان لحن و آهنگ داستان فتوح را پردازش می‌کند از آن جمله واقعه پیکار قادسیه است که روزهای جنگ را همچون داستان ایام تحت عنوان یوم ارمات یوم اغواث یوم عماس و لیلۃ القادسیه تدوین کرده است (طبری، بی‌تا: ۳/ ۶۸ - ۶۹). این قصه پردازای ها تنها بخش کوچکی از اخبار دروغین سیف است که طبری در تاریخ خود آنها را نقل کرده است. از دیگر روایات دروغین سیف بن عمر که به قصد تخریب امامت الهی امام علی علیه السلام ساخته است، داستان خیالی عبدالله بن سبا است. وی در این مورد می‌نویسد: عبدالله بن سبا یهودی در حدود سال ۳۱ هـ. ق/ ۶۵۱ م اسلام آورد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۳۷۸) و هسته‌های شورش را علیه عثمان در بصره، کوفه و مصر به وجود آورد و نخستین کسی بود که مردم را به وصایت علی بن ابیطالب دعوت کرد و خلفا را غاصب معرفی کرد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۳۷۸). در حالی که تحقیقات جدید مستشرقان خلاف این را اثبات می‌کند. برنارد لوئیس می‌نویسد: «ولهوزن و فرید لیندز پس از تحقیق انتقادی در مآخذ نشان داده‌اند که توطئه و دعوتی که به ابن سبا نسبت داده شده، آفریده

اعتماد کرده، آنها را بدون بررسی سندی در کتاب خود آورده است.

با بررسی روایات می‌توان به این نتیجه رسید که فاتح واقعی آذربایجان خذیفه بن یمان است و خلیفه دوم پس از فتح الفتوح، سپاهی را به فرماندهی عروه بن زید خیل طائی برای تصرف ری و جریر بن عبدالله بَجلی را برای فتح همدان فرستاد و لشکری را به فرماندهی خذیفه بن یمان، صحابه رسول خدا (ص)، مامور فتح آذربایجان کرد. هنگامی که خبر حمله مسلمانان به مرزبان اردبیل رسید، وی نیروهای نظامی خود را از مناطق با جروان، میمند، میانه، سراه و شیز فراهم آورد و چند روزی با سپاه خذیفه جنگید ولی هنگامی که مقاومت را بیهوده دید، با خذیفه پیمان صلح بست و مقرر شد سالیانه هشتصد هزار درهم خراج پردازند و مسلمانان کسی را نکشند و اسیر نگیرند و آتشکده‌ها را خراب نکنند و متعرض کردهای بلاسمان و سبلان و ساترودان نگردند و مانع انجام مراسم مردم شیز و جشن‌های زرتشتی‌ها در آتشکده بزرگ آنان نیز نگردند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۱). ذکر نام آتشکده شیز در این پیمان‌نامه نشان از اهمیت این شهر از نظر دین زردشت دارد و از سوی دیگر احترام مسلمانان را به معابد و مراسم زردشتیان نشان می‌دهد.

این روایت را می‌توان به لحاظ سند و متن، معتبر دانست زیرا:

۱- سند این روایت: بلاذری از دو نفر از مشایخ اردبیلی خود یعنی حسین بن عمرو اردبیلی و واقد اردبیلی، از روایان محلی آگاه به اخبار منطقه، خبر فتح آذربایجان را به وسیله خذیفه نقل کرده است.

۲- متن روایت بلاذری متوازن، هماهنگ و معقول است و مطالب اغراق آمیز و افسانه مانند در آن راه ندارد. در روایت بلاذری سال فتح آذربایجان نیامده

بن خرشه انصاری معروف به ابودجانه شخص دیگری وجود دارد که وی نیز در نبرد یمامه در سال ۱۲ هـ. ق شهید شد (ابن سعد، بی‌تا: ۳/ ۵۵۶) و جز از ابودجانه در میان صحابه و تابعین وجود خارجی ندارد. بکیر بن عبدالله و عتبه بن فرقد لیثی فرماندهان سپاه مسلمانان نیز شخصیتی مجهول دارند و در منابع پیش از طبری از آنان نامی برده نشده است.

۵- به نظر می‌رسد سیف بن عمر، عتبه بن فرقد لیثی را به جای عتبه بن فرقد سلمی صحابه رسول خدا (ص) که جانشین خذیفه بن یمان گردید (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۲) قرار داده است.

۶- طبری از قول سیف از عهدنامه عتبه بن فرقد با مردم آذربایجان یاد می‌کند که سماک بن خرشه و بکیر بن عبدالله لیثی را بر آن شاهد گرفت و تاریخ آن سال ۱۸ هـ. ق است (طبری، بی‌تا: ۳/ ۲۳۵). به وضوح روشن است که در این سال مسلمانان هنوز در شرق عراق مشغول فتوحات بودند و وارد سرزمین‌های غرب ایران نشده بودند چه برسد به اینکه به آذربایجان رسیده باشند. طبری در جای دیگری نیز فتح آذربایجان را به سال ۲۲ هـ. ق/ ۶۴۳ م آورده است.

با بررسی روایات فتوح در تاریخ طبری روشن می‌گردد. که حجم استفاده طبری از روایات سیف بن عمر درباره جنگ‌های رده و فتوحات و حدود ۵۵۰ روایت است. بدین سان حجم گسترده‌ای از روایات سیف، اخبار فتوح طبری را تشکیل می‌دهد که سیف، بسیاری از قهرمانان، مکان‌ها، آمارهای دروغین، افسانه‌ها و حوادث ساختگی را با این روایات وارد تاریخ کرده است. به نظر می‌رسد قصد سیف از ساختن این روایات، مهیج نشان دادن فتوح و بزرگ نمایی فداکاری‌های قبیله خود یعنی بنی تمیم که بیشترین نیرو را در فتح ایران داشتند، بوده است و طبری به صرف اعتماد به سری بن یحیی به روایات سیف نیز

وسوم نیز مدتی فرماندار مدائن بود (ابن الاثیر، ۱۳۸۴ق: ۱۴۳/۱).

حذیفه پس از رحلت رسول خدا (ص) از یاران امام علی (ع) بود و در تجمع دوستان اهل بیت و معترضان به خلیفه در بنی بیاضه حضور داشت (جوهری، بی تا: ۴۶). برخی از منابع حذیفه را پس از ارکان اربعه شیعه؛ سلمان، ابوذر، عمار و مقداد از شیعیان راستین امام علی (ع) دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۱ و ۳۶). حتی وی را از ارکان و سابقین صحابه و شیعه امیرالمومنین دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۲: ۱۰۷/۷۸). وی در آغاز بیعت امام علی (ع) در کوفه به مردم گفت: «از خدا بترسید و علی را یاری کنید که به خدا از اول تا آخر بر حق است و پس از پیامبرتان از همه کسانی که رفته‌اند و تا روز قیامت خواهند بود، بهتر است.» حذیفه از مردم برای امام علی (ع) بیعت گرفت و به دو پسر خود صفوان و سعد وصیت کرد: «بکوشید تا در حضور امام علی (ع) شهادت یابید که به خدا او بر حق است و هر که مخالفت او کند بر باطل است» (مسعودی، بی تا: ۲/۳۹۴). سرانجام حذیفه در آغاز سال ۳۶ هـ. ق در مدائن از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۱۳۹۱: ۱۶۲/۱). بدین سان تربیت دینی و اخلاقی حذیفه و آشنایی او با معارف اسلامی و رفتار مسالمت آمیز وی موجب شد تا مناطق تحت تصرف خود را به خوبی اداره کند و با تبلیغات وی گروه‌هایی از مردم آذربایجان اسلام آورند. شایان توجه است که بلاذری روایتی را از قول واقدی نقل می‌کند که مغیره بن شعبه به جنگ آذربایجان را گشود و در روایتی دیگر از هشام کلبی از قول ابومخنف نقل می‌کند که مغیره در سال ۲۰ هـ. ق/۶۴۲ م آذربایجان را به صلح فتح کرد و دوباره کافر شدند و اشعث بن قیس پس فتح قلعه باجروان با مردم آن منطقه به همان صلح مغیره پیمان بست (بلاذری،

است ولی می‌توان حدس زد در اواخر سال ۲۲ یا اوایل سال ۲۳ هـ. ق است.

۳-روایت بلاذری با روایت مدائنی، فتوح نگار بزرگ دیگر مکتب کوفه (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۲) و با روایت واقدی و ابومعشر مدنی که سال فتح آذربایجان را سال ۲۲ هـ. ق نگاشته‌اند، مطابقت و هماهنگی دارد (طبری، بی تا: ۳/۲۲۸).

۴-پیش از بلاذری، خلیفه بن خیاط نیز می‌نویسد: «حذیفه بن یمان با مردم آذربایجان در سال ۲۲ هـ. ق/۶۴۳ م پیمان صلح بست» (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴ق: ۱۰۸).

۵- به نظر می‌رسد حذف نام حذیفه از سوی سیف بن عمر به دلیل دشمنی وی با امام علی (ع) و شیعیان آن حضرت است، زیرا حذیفه از اصحاب خاص رسول الله (ص) و صاحب سر آن حضرت بود (عسقلانی، ۱۳۲۸ق: ۱/۳۱۷). هنگامی که رسول الله (ص) عقد اخوات میان مسلمانان بست، بین حذیفه و عمار بن یاسر پیمان برادری بسته شد (ابن سعد، بی تا: ۳/۲۵۰) وی در بدر و احد و دیگر غزوات حضور داشت. در جنگ خندق نیز در شب سرد و طوفانی پایانی نبرد از سوی رسول الله (ص) مامور کسب خبر از درون سپاه مشرکین گردید (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۲/۲۳۳). در بازگشت از تبوک به دستور رسول خدا (ص) حذیفه، منافقانی را که قصد کشتن رسول الله (ص) داشتند، دنبال کرد و آنان را فراری داد (واقدی، ۱۴۰۹ق: ۳/۱۴۳). لذا او در میان صحابه به منافق شناس مشهور بود ولی به سفارش رسول خدا (ص) برای همیشه از افشای نام آنان خودداری کرد. در جریان عقد اخوت، رسول الله (ص) میان عمار و حذیفه عقد اخوت خواند (ابن سعد، بی تا: ۳/۲۵۰). وی از سوی خلیفه دوم مامور مساحی زمین های اطراف دجله و ساکن کوفه بود (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۲۶۹). وی در دوران خلیفه دوم

۱۳۹۸ق: ۳۲۲). به خوبی روشن است که این روایت مورد توجه بلاذری نبوده است زیرا بر روایت اول تاکید می‌کند و آن را در آغاز فتح این منطقه می‌نگارد. این روایت محل اشکال نیز هست. نخست آنکه در آن سال مسلمانان چگونه می‌توانستند بدون شکست سپاه بزرگ ساسانی در نهند، یکسره به آذربایجان بروند؟ دیگر آنکه مغیره در این سال حکمران کوفه نبود و در سال ۲۲ هـ. ق پس از عزل عمار به حکمرانی کوفه منصوب شد و در این هنگام مغیره نمی‌توانسته است در آذربایجان باشد. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۳/۲) سومین دلیل آن است که فرمانداران کوفه و بصره افرادی را به جای خود به فتح دارالکفر می‌فرستادند و خودشان به اداره سرزمین‌های حوزه حکمرانی خود می‌پرداختند.

مرحله دوم فتوحات مسلمانان در آذربایجان

خُذیفه نزدیک به یک سال حکمران آذربایجان بود تا اینکه از سوی خلیفه دوم عزل شد و فرمانده سپاه موصل عتبه بن فرقد سلمی به جای وی منصوب گردید. در سال ۲۵ هـ. ق عثمان، خلیفه سوم، عتبه بن فرقد سلمی را از آذربایجان عزل کرد. احتمالاً عزل صحابه با کفایت و رفتار ناپسند والی جدید موجب آشفتگی اوضاع گردید و مردم نقض عهد کردند لذا ولید بن عقبه اموی فرماندار کوفه به آذربایجان لشکر کشید و اهل آن دیار بر همان پیمان خذیفه با وی صلح کردند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۳). ولید هنگامی که به کوفه بازگشت اشعث بن قیس کندی یکی از اشراف یمنی همراه خود را بر ولایت آذربایجان گماشت ولی مدتی بعد دوباره اهالی به دلیل رفتار غیر منصفانه و اشرافی و سخت‌گیری وی در گرفتن خراج، عهد خود را شکستند. بار دیگر اشعث، موفق شد با سپاه کمکی از کوفه، اهالی را به پیمان صلح گذشته خود، بازگرداند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۴). اشعث که شاهد شورش مردم

بود و از تجربه سیاسی و حکمرانی در سرزمین ابا اجدادی خود بر حضرموت برخوردار بود (ابن شَبَّه، ۱۴۱۰ق: ج ۲/ ۵۴۲)، برای جلوگیری از شورش‌های احتمالی دیگر و استقرار اسلام در این منطقه، اعراب را در شهرها سکونت داد و مردم را به اسلام دعوت کرد (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۴). در پی سکونت اعراب و تأسیس مسجد جامع برای نماز جمعه و تبلیغات اسلامی، مردم به مرور با اسلام و تعالیم آن آشنا شدند. شکست حصارهای طبقاتی، اعطای آزادی اجتماعی و دینی به زرتشتی‌ها و فقدان امتیازات طبقاتی در اسلام، در میزان گرویدن بومی‌ها به اسلام موثر بود. همکاری دهقانان با مسلمانان در اخذ خراج و جزیه و تأمین امنیت اجتماعی و رعایت حقوق اهل کتاب و پا برجا بودن شبکه آتشگاه‌ها، موجبات تسریع اسلام آوردن زرتشتی‌ها شد.

بر خلاف نوشته بلاذری که انتصاب اشعث را بر آذربایجان در عهد امام علی علیه السلام نوشته است، منابع دیگر (ابن الاثیر، ۱۳۸۴: ۹۸/۱) تاکید دارند که وی در روزگار خلیفه سوم بر آذربایجان منصوب شد. زیرا اشعث در آغاز خلافت امام علی (ع) والی آذربایجان بود و در بیعت با آن حضرت تعلق کرد. امام علی (ع) نیز به واسطه رفتار ناشایست وی، در توبیخش چنین او نامه‌ای نوشتند: «همانا پست فرمانداری برای تو شکار نیست بلکه امانتی در گردن توست. باید از پیشوای خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموال خداوند است که تو خزانه دار آن هستی تا آنها را به من بسپاری» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۵). از متن ابن اعثم کوفی روشن می‌گردد، اشعث در حکمرانی خود دارای اشتباهاتی بوده، تصرفاتی در اموال عمومی داشته است و اخبار آن به امام علی (ع) رسیده بود و آن حضرت به

خدا سوگند هرگز با تو سخن نخواهم گفت» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۴/۶). قیس یکی از شیعیان شجاع و مدیری شایسته و دارای تجربه سیاسی در عصر خلافت امام علی (ع) بود و مصر را بر خلاف توطئه‌های معاویه به خوبی اداره کرده بود (تقفی کوفی، ۱۴۰۷ق: ۱۲۷).

امام علی علیه السلام پس از انتصاب قیس بر آذربایجان طی نامه‌ای وی را به رفتار پسندیده و اجرای عدالت توصیه فرمودند و به او نوشتند: «بر جمع آوری خراجت به حق روی آور و با سپاهیانت به عدل و نیکی رفتار کن و از آنچه خدا به تو آموخته است به کسانی که نزد تو هستند بیاموز و از مردم روی پنهان مدار و در خانه ات را باز کن و قصد انجام حق می‌دار و هوای نفس را پیروی نکن» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲/۱۱۵). انتصاب قیس بن سعد بر آذربایجان و سفارش‌های آن حضرت به وی در جمع آوری منصفانه خراج و آموزش معارف و احکام اسلامی و ارتباط تنگاتنگ با مردم، نشان از توجه آن حضرت به مردم این منطقه دارد. به همین سبب چنین نیک رفتاری با مردم نومسلمان منطقه و اهل کتاب، در گرایش آنان به اسلام و دوستی با اهل بیت تاثیر فراوان داشت. برخلاف نظر برخی محققان که می‌نویسند: «مردم آذربایجان به آسانی زبون دشمن نگشته‌اند و پس از خونریزی‌های بسیار بود که یوغ بندگی تازیکان را به گردن گرفتند» (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۴۱) نگاهی دوباره به حضور خذیفه و مفاد پیمان صلح با مردم آذربایجان و سفارش‌های آن حضرت به اشعث بن قیس و قیس بن سعد، غیر علمی بودن چنین نظری را بر ما روشن می‌نماید. گزارش بلاذری که خود یک مورخ ایرانی است، پیشرفت سریع اسلام را در این منطقه بیان می‌کند. وی می‌نویسد: «وقتی اشعث به آذربایجان آمد، دید بیشتر مردم این منطقه اسلام آورده‌اند و قرآن می‌خوانند، اعراب را در اردبیل سکونت داد و آن شهر

وی هشدار داده، از وی خواسته است که نامه وی را برای مردم بخواند و از آنان بیعت بگیرد. سفیر امام علی علیه السلام زیاد بن مَرَحَب همدانی پس از ورود به اردبیل، نامه آن حضرت را در مسجد جامع برای مردم خواند و طی خطبه‌ای از مردم تقاضا کرد تا بیعت خویش را اعلام کنند. مردم نیز اطاعت کردند و اشعث و یارانش نیز بیعت خود را اعلام نمودند. اشعث هنگامی که به خانه باز گشت، قصد پیوستن به معاویه را در سر می‌پروراند زیرا بیم آن داشت که امیر مومنان علیه السلام از وی حسابرسی کند ولی نزدیکانش او را از این کار منع کردند (ابن اعثم، بی‌تا: ۲/۳۶۸). به وضوح روشن است که امام علی علیه السلام نمی‌توانست اشرافی خیانتکار به اموال عمومی و ستمگر را بر حکمرانی باقی گذارد. اشعث نمی‌توانست آرمان‌ها و اهداف آن حضرت را درباره عدالت اجتماعی پیاده کند و مزه بذل و بخشش‌های عثمان که سالیانه یکصد هزار درهم به وی می‌بخشید (تقفی کوفی، ۱۴۷۹ق: ۲۴۸)، هنوز زیر دندانش بود. امام علی علیه السلام پس از عزل اشعث از استانداری آذربایجان، عبدالله بن شَمِیل اَحْمَسِی را بر جای وی گمارد ولی پس از مدتی قیس بن سعد بن عباده خزرجی از بزرگان انصار و شجاعان یاران خود را بر حکمرانی آذربایجان منصوب کرد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲/۱۱۵). قیس پیش از آن، فرماندار مصر بود و در جنگ صفین شرکت داشت. وی از هواداران سرسخت اهل بیت بود و در جریان وقایع پس از رحلت رسول الله (ص) همواره از امام علی (ع) و امام حسن (ع) حمایت کرد. پس از آنکه پدرش به وی گفت که «پذیرفتن ولایت علی (ع) واجب بود». در جواب گفت: «تو خودت این سخن را از رسول الله (ص) شنیدی و داعیه خلافت نمودی و یارانت گفتند از ما یک امیر و از شما هم یک امیر، به

را محله بندی کرد و مسجد جامع را بساخت و بار دیگر بر وسعت آن افزود» (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۴). اسکان و تثبیت موقعیت مسلمانان و تأسیس و گسترش مجدد مسجد جامع در اردبیل، پیشرفت سریع اسلام و افزایش مسلمانان را در این منطقه بر ما روشن می‌سازد. بدین سان فعالیت‌های تبلیغی و عدالت خواهانه دو نفر از صحابه و شیعیان سرسخت و حامیان برجسته امیرمؤمنان علیه السلام در آذربایجان موجب نفوذ آرام و تدریجی اسلام و دوستی اهل بیت در آذربایجان فراهم شد و پایه تشیع به وسیله آن دونفر در این منطقه بنیان گرفت و از آن پس همواره مردم آذربایجان در دوستی اهل بیت پایدار بودند به سانی که در قیام مختار وی را همراهی کردند و اموال فراوانی از آذربایجان برای وی به کوفه فرستادند (دینوری، ۱۳۶۴: ۳۴۳). در آینده نیز برخی از یاران امامان شیعه از این منطقه برخاستند، از آن جمله: ابوحامد احمد بن ابراهیم مراغی (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۷) و قاسم بن علاء آذربایجانی (قزوینی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۲) از یاران امام عسگری (ع) بودند.

نتیجه

از آنچه گفته شد روشن می‌گردد روایت فتح آذربایجان به وسیله خذیفه، خبری معقول و متوازن و از نظر سند و متن خبری موثق است و اخبار سیف در این باره از نظر سند و متن بی اساس و غیر واقعی است. خذیفه شناخت عمیقی نسبت به اسلام داشت و از هواداران سرسخت اهل بیت بود. اسلام به صورت مسالمت آمیز و با پیمان صلح به وسیله وی وارد آذربایجان و اردبیل گردید و مردم این دیار به آرامی با رضا و رغبت اسلام آوردند. مدیریت شایسته و عملکرد انسانی و مطابق با موازین اسلامی از سوی

خذیفه چنان بود که از سوی مردم منطقه در آغاز هیچ گونه مقاومتی در برابر اسلام نشان ندادند، ولی در دوره خلافت عثمان و تهاجم ولید و اشعث که نماد عصبیت و اشرافیت عربی بودند و ظاهراً رفتار اسلامی مناسبی با مردم منطقه نداشتند، مخالفت‌هایی در این منطقه صورت گرفت که با قوای نظامی کمکی ارسالی از کوفه آرام گردید. با حضور قیس بن سعد که از شیعیان سلحشور و شجاع امام علی علیه السلام بود و سفارش آن حضرت مبنی بر اجرای عدل و رفتار نیک درباره مردم آذربایجان، اسلام به آرامی گسترش یافت و بذر هواداری اهل بیت و تشیع در آذربایجان پاشیده شد و طی دوران اسلامی بیشتر مردم آذربایجان همواره به اسلام وفادار ماندند و دوستدار اهل بیت بودند.

منابع

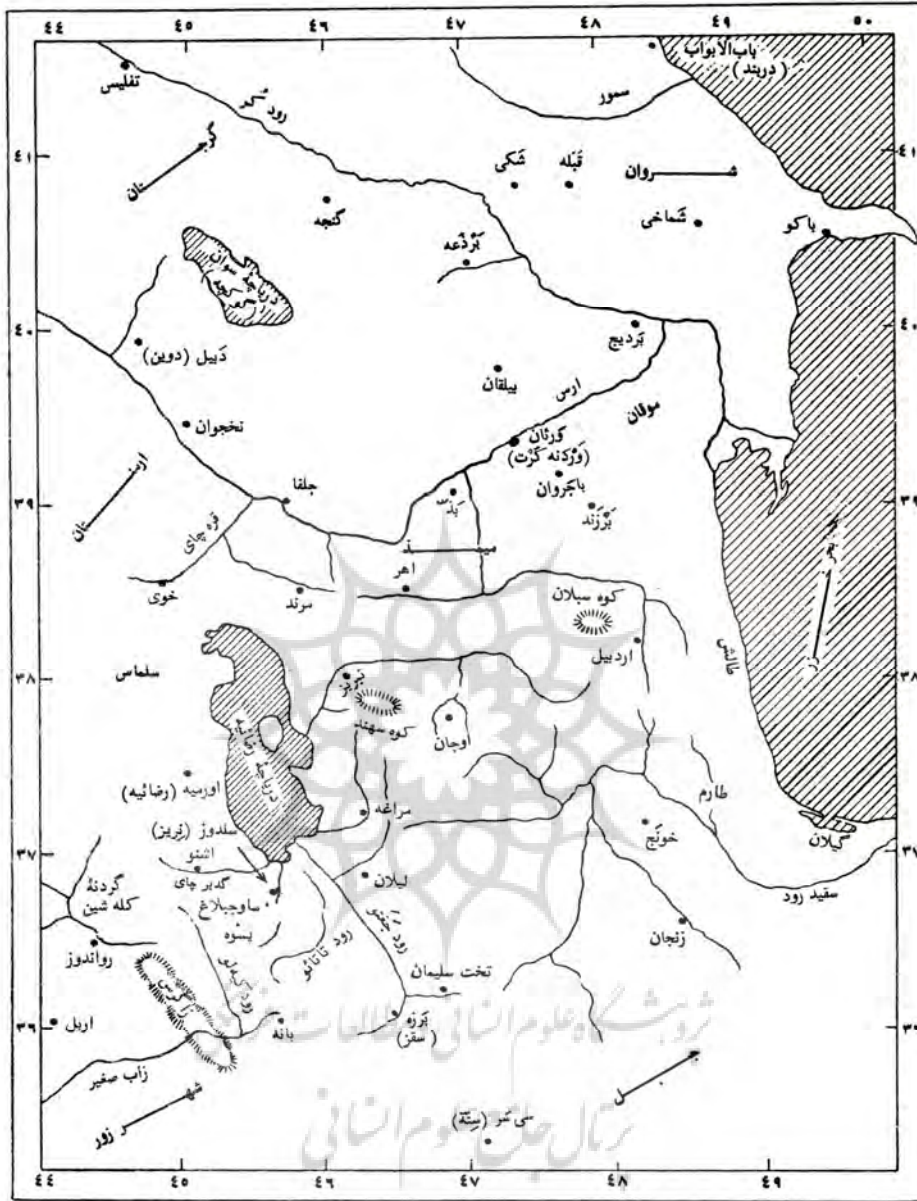
- ابن الاثیر (۱۳۸۴ق) **أسد الغابه فی معرفه الصّحابه**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن ابی الحدید معتزلی (۱۴۰۴ ق) **شرح نهج البلاغه**، قم: منشورات مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی.
- ابن سعد، محمد (بی تا) **الطبقات الکبری**، بیروت: دار صادر.
- ابن شَبّه (۱۴۱۰ق) **تاریخ مدینه المنوره**، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۴) **مسالك و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن اعثم کوفی (بی تا) **الفتوح**، بیروت: دارالندوه الجدیده.
- ابن هشام (۱۳۷۵ق) **السیره النبویه**، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبي.

- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۰۸ق) **مقاتل الطالبین**، تحقیق احمد صقر، بیروت: منشور الاعلمی للمطبوعات.
- اصفهانی، ابونعمان (۱۴۱۰ق) **ذکر اخبار اصفهان**، تحقیق سید حسن کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بغدادی، احمد بن علی (۱۹۳۱م) **تاریخ بغداد**، قاهره: مطبعه القاهره، جلد اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ق) **فتوح البلدان**، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت: دارالکتب.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۴۰۷ق) **الغارات**، تحقیق سید عبد الزهراء الحسینی، بیروت: دارالاضواء.
- جوهری، ابوبکر عبدالعزیز (بی تا) **السقیفه و فدک**، روایه ابن ابی الحدید، تحقیق محمد هادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- خلیفه بن خیاط العصفری (۱۴۱۴ق) **تاریخ**، تحقیق سهیل زگار، بیروت: دارالفکر.
- **حدود العالم من المشرق الی المغرب** (مجهول المؤلف) (۱۳۶۲) به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- حموی، یاقوت (بی تا) **معجم البلدان**، بیروت: دارصادر.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۴) **الاخبار الطوال**، ترجمه احمد مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ذهبی، شمس الدین احمد (۱۴۱۴ق) **تاریخ الاسلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب.
- زریاب خوئی، عباس (۱۳۵۴) **دانشنامه ایران و اسلام**، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴) **تاریخ مردم ایران قبل از اسلام**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شهرستان های ایرانشهر (۱۳۸۸) مترجم تورج دریایی، شهرام جلیلیان، تهران: انتشارات توس.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا) **تاریخ الطبری**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق) **رجال**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲) **رجال کشی**، تحقیق محمد تقی فاضل میبدی و سید ابوالفضل موسویان، تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طه حسین (۱۳۶۳) **الفتنه الكبرى**، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی.
- علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۷۹) **نهج البلاغه**، ترجمه و تصحیح محمد دشتی، قم: انتشارات مشرفین.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۸ق) **الاصابه فی تمییز الصحابه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۶۲) **یکصد و پنجاه صحابی ساختگی**، ترجمه عطا محمد سردار نیا، تهران: مجمع علمی اسلامی.
- قزوینی، محمد (۱۴۱۳ق) **امام عسکری من المهد الی اللحد**، قم: مکتبه بصیرتی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۷) **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۳۵) **شهریاران گمنام**، تهران: موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- لسترنج، گای (۱۳۷۳) **جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۰) **بنیادهای کیش اسماعیلیان**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات ویسمن.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲) **نزهة القلوب**، تصحیح گای لسترنج، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن (بی تا) **مروج الذهب**، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۶۵) **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، شمس‌الدین (۱۹۰۶م) **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**، لیدن: مطبعه بریل.
- واقدی، محمد بن عمر (بی تا) **فتوح الشام**، بیروت: دارالجيل.
- (۱۴۰۹) **المغازی**، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۵۶) **تاریخ**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳) **ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی**، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه ۱- ایالت آذربایجان



کیلومتر ۱۰۰
میل ۱۰۰
آذربایجان

مأخذ: دانشنامه ایران و اسلام، جلد اول، ص ۴۹

نقشه ۲- مسیر فتوحات مسلمانان به آذربایجان

